

بررسی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

صغری زاده صفری^۱، فرامرز علیدادی^۲

^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی . معلم ابتدایی استان کرمانشاه (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی آموزش ابتدایی. معلم ابتدایی استان کرمانشاه

چکیده

مقاله حاضر از نوع مروری است که با توجه به منابع کتابخانه ای به رشته تحریر در آمده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. نتیجه نشان می دهد که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از سازه‌هایی است که از دیرباز مورد توجه بوده و تحقیقات بسیاری را به خود اختصاص داده است. متخصصین تعلیم و تربیت همواره کوشیده‌اند شرایطی را فراهم نمایند تا محصلین بیشترین کارایی تحصیلی را از خود نشان دهند. امروزه مهمترین نقش مدارس این است که دانش آموزان را در پیشرفت تحصیلی یاری نماید. به طور کلی پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده با اسایی فرد در موضوعات آموزشی می دانند که به وسیله آزمون های استاندارد شده، اندازه گیری می شود.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، مدرسه، دانش آموزان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

برای اینکه مفهوم پیشرفت تحصیلی روشن شود، ابتدا باید مفهوم افت تحصیلی که واژه‌ای در مقابل آن به شمار می‌آید، روشن گردد. افت تحصیلی، افت عملکرد تحصیلی و درسی دانش آموزان و دانشجویان از سطحی رضایت بخش به سطحی نامطلوب است. چنانچه فاصله قابل توجهی بین استعداد بالقوه و استعداد بالفعل فرد در فعالیت‌های درسی مشهود باشد. چنین فاصله‌ای را افت تحصیلی می‌نامند (افروز، ۱۳۷۵؛ به نقل از عابدی، ۱۳۸۰).

روشن است که افت تحصیلی فقط در مردودی و یا تجدیدی خلاصه نمی‌شود و در هر دانش آموز یا دانشجویی که یادگیری‌های او کمتر از توان و استعداد بالقوه و حد انتظار باشد صدق می‌کند؛ بنابراین حتی دانش آموزان تیزهوش نیز ممکن است دچار افت تحصیلی گردند (عابدی، ۱۳۸۰).

با روشن شدن مفهوم افت تحصیلی اکنون می‌توانیم مفهوم پیشرفت تحصیلی را به صورت شفاف دریافت. چنانچه آموخته‌های آموزشی فرد متناسب با توان و استعداد بالقوه او باشد یا آموخته‌های فرد متناسب با توان و استعداد وی بوده در یادگیری فاصله‌ای بین توان بالقوه و بالفعل او نباشد می‌توانیم بگوییم که دانش آموز به پیشرفت تحصیلی نائل گردیده است (عابدی، ۱۳۸۰).

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از سازه‌هایی است که از دیرباز مورد توجه بوده و تحقیقات بسیاری را به خود اختصاص داده است. متخصصین تعلیم و تربیت همواره کوشیده‌اند شرایطی را فراهم نمایند تا محصلین بیشترین کارایی تحصیلی را از خود نشان دهند. امروزه مهمترین نقش مدارس این است که دانش آموزان را در پیشرفت تحصیلی یاری نماید (سیف، ۱۳۷۵؛ به نقل از سعیدی، ۱۳۹۰).

به طور کلی پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده با اسایی فرد در موضوعات آموزشی می‌دانند که به وسیله آزمون‌های استاندارد شده، اندازه گیری می‌شود. (سیف، ۱۳۸۴؛ به نقل از سعیدی، ۱۳۹۰)

پیشرفت تحصیلی گرایش همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از توانایی که با موفقیت در عملکرد همراه است (عابدی، ۱۳۸۰).

توکن در یک پژوهش یک مدل سه وجهی برای انگیزه پیشرفت تحصیلی ارائه داده است که عبارتند از:

۱- نگرش در مورد استعداد و توانایی فرد برای دستیابی به هدف

۲- تمایل به دستیابی به هدف

۳- راهبردهای دستیابی به هدف

این پژوهش به صورت تجربی نشان داده است که ترکیبی از این سه بر پیشرفت تحصیلی تأثیر دارند. اشتغال شناختی بیانگر میزان زمانی است که فرد برای مطالعه یا کامل کردن وظایف صرف می‌شود.

اصطلاح پیشرفت تحصیلی به میزان یادگیری آموزشی فرد به صورتی که توسط آزمون‌های مختلف درسی مثل دیکته، جغرافیا و نظایر اینها سنجیده می‌شود، اشاره می‌کند (شمس، ۱۳۷۸؛ به نقل از عابدی، ۱۳۸۰).

پیشرفت تحصیلی سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه نتایج حاصل با هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده به منظور تصمیم‌گیری در این باره که آیا فعالیت‌های آموزشی معلم و کوشش‌های یادگیری دانش آموزان یا دانشجویان به نتایج مطلوب انجامیده‌اند و از این تعریف معلوم می‌شود که ارزیابی پیشرفت تحصیلی دو اقدام اساسی است:

۱- تعیین هدف‌های آموزشی

۲- سنجش یا اندازه‌گیری یادگیرندگان (سیف، ۱۳۸۰).

بسیاری از والدین و مربیان با این سؤال مواجه‌اند که چرا تعدادی از دانش آموزان به زعم برخوردار از امکانات آموزشی و رفاهی مساعد و حتی هوش سرآمد، در دوره‌های تحصیلی به خصوص دوره متوسطه با شکست تحصیلی مواجه می‌شوند. بی‌تردید پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به عوامل مختلفی نظیر درآمد سطح تحصیلات، رفتار والدین، شبکه ارتباطی، فضای خانواده نوع مدرسه و امکانات آموزشی، رفتار معلم و بسیاری عوامل دیگر بستگی دارد.

کاردلاسون^۱ (۱۹۸۸) در پژوهش خود درباره پیشرفت تحصیلی و صمیمیت دریافت "گروهی از دانش آموزان که موفقیت‌های تحصیلی بیشتری نصیبشان گردیده بود نسبت به گروه‌های ناموفق از تحسین و احترام بیشتری برخوردار بوده و نیز تعارض‌های شدیدی در زندگی تحصیلی خود نداشته‌اند." (قازی، ۱۳۸۰)

تابیرآدر کتاب بچه‌های طلاق آورده است که "مطالعات پژوهشی گوناگون نشان داده است که موفقیت بچه‌هایی که تماسی با پدرانشان ندارند. در زمینه‌های اجتماعی و تحصیلی به مراتب کمتر از کودکانی بوده که پس از طلاق از نظر عاطفی از جانب پدر حمایت شده‌اند نمره‌های آن‌ها غالباً کم است. در آزمون‌های پیشرفت سنجی مدرسه امتیاز اندی کسب می‌کنند و اغلب از مدرسه غیبت دارند (قازی، ۱۳۸۰).

تیوان^۲ و هنیزان^۳ (۱۹۸۸) در پژوهش خود رابطه نیاز به پیشرفت و ارتباط آن با رفتار اقتدار طلبانه فرد را پیش‌بینی می‌کنند. تحقیق این دو روان‌شناس پژوهش هارتسو (۱۹۶۴) را تأیید کرد که هر اندازه فرد به پیشرفت نیاز داشته باشند، تمایل او به اقتدار طلبی افزایش می‌یابد (قازی، ۱۳۸۰).

برخی پژوهشگران، مفهوم شکست و موفقیت را در ارتباط با پیشرفت و انگیزه پیشرفت به کار برده‌اند. دیوید مک کله‌لند^۴ (۱۹۸۴) اظهار می‌دارد که یک گرایش کلی در انسان برای رسیدن به موفقیت و اجتناب از شکست وجود دارد. دانش آموزانی که برای موقعیت برانگیخته می‌شوند، این دانش آموزان نیز مایلند از شکست اجتناب نمایند (رودستین^۵، ۱۹۹۰).

^۱- Kariasun

^۲- Tabir

^۳- Tivan

^۴- Hnyzan

^۵- Mc-clelland

عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی

سال های متمادی است که محققان و پژوهشگران تعلیم و تربیت و روان شناسان اجتماعی مطالعات فراوانی در مورد عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان انجام داده و همیشه مد نظر آن ها بوده است چرا که پیشرفت تحصیلی موضوعی است که به خصوص در حال حاضر مورد توجه تمامی کشورهای جهان است و هر ساله مقدار زیادی آن بودجه جوامع صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می شود و پژوهش های زیادی به بررسی عوامل مختلفی که می تواند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر داشته باشد. عواملی مانند خانواده محیط زندگی، مدرسه و برنامه های آموزشی اختصاص یافته است

اسلامی بیان میکند در زمینه پیشرفت تحصیلی چهار عامل بیش از سایر عوامل در ظرفیت یادگیری مؤثر است :

۱- محیط خانواده شامل (سطح درآمد، سواد والدین، شرایط مسکن، تعداد فرزندان موجود)

۲- تأثیر متفایل گروه های هم پایه.

۳- شخصیت (هوش و توانایی ذاتی)

۴- تغذیه و بهداشت اولیه، که خصلت به وضع اقتصادی خانواده ها مرتبط است (اسلامی، ۱۳۹۱).

خوزه پلات^۷ در کتاب شکست تحصیلی در آموزش و پرورش و راههای مقابله با آن عوامل مؤثر در موفقیت و یا شکست تحصیلی را در دو گروه عوامل درونی و عوامل بیرونی دسته بندی می کند:

الف) عوامل درونی که عبارتند از:

۱- نظام آموزشی ۲- کیفیت معلمان ۳- برنامه آموزش ۴- تقویم و ساعات آموزشی

ب) عوامل بیرونی که عبارتند از: ۱- تعداد زبان ۲- نابرابری شهر و روستا ۳- محرومیت برخی از گروه ها ۴- محدودیت های مالی ۵- عوامل شخصی (هوش و استعداد) ۶- امور عاطفی

وی این عوامل را بر مبنای محیط آموزشی دسته بندی کرده است و عوامل موجود در محیط آموزشی را به عنوان عوامل درونی و عوامل خارج از آن را به عنوان عوامل بیرونی مطرح می سازد (سجادی، ۱۳۸۷؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳).

عوامل فردی

مهمترین عوامل فردی که در پیشرفت تحصیلی نقش دارند عبارتند از :

۱- داشتن هدف:

^۶- Rathstein

^۷- Jose blot

یکی از مهمترین عوامل فردی که بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر می گذارد، داشتن هدف است. بدیهی است دانش آموزانی که برای تحصیل خود اهدافی را در نظر می گیرند از آن هایی که هدف خاصی را دنبال نمی کنند، موفقیت بیشتری را تجربه خواهند کرد. داشتن هدف موجب می شود که دانش آموزان برای رسیدن به آن برنامه ریزین تمایذ و با جهت از قبل تعیین شده حرکت کند. هدف، جهت خاصی به موضوع های درسی میدهد و روش مطالعه و یادگیری را آسان تر می کند. هدف باعث یادگیری بهتر و تلاش بیشتر برای کسب موفقیت می شود. هدف ایجاد انگیزه می کند. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که هر چه بین اهدافی که دانش آموزان برای خود ده تر می گیرند با اهدافی که مورد نظر اولیا و مربیان است، هماهنگی بیشتری وجود داشته باشد. میزان موفقیت دانش آموزان در نیل به اهداف بیشتر خواهد بود و برعکس هر چه در این زمینه فاصله و اختلاف بیشتر باشد، آشفستگی و سردرگمی دانش آموزان بیشتر خواهد بود (بیابانگرد، ۱۳۷۸؛ به نقل از حداد رنجبر، ۱۳۸۳).

۲- عزت نفس:

عزت نفس به مثابه یک سازه شخصیتی که این روان شناسان انسانگرا منزلت و جایگاه یگانه ای دارد، به طوری که کارل راجرز آن را یک صفت شخصیتی و تبیین کننده پسبانی انه رفتار های آدمی می داند. در مورد عزت نفس و ارتباط آن با متغیرهای مختلف، تحقیقات مستندی انجام گرفته است همگی این تحقیقات زیاد این مطلب اساسی اند که عزت نفس بالا، از عوامل مهم بهداشت روانی و عزت نفس پایین از عوامل مؤثر در اختلالات روانی است. یکی از متغیرهایی که ارتباط آن با عزت نفس دان ه تحقیقات متعدد مورد بررسی قرار گرفت، پیشرفت تحصیلی است. همگی این تحقیقات نشان می دهد که دانش آموزان برخوردار از عزت نفس بالا در مقایسه با دانش آموزانی که عزت نفس پایینی دارند عملکرد تحصیلی بهتری از خود نشان می دهند. مثال تحقیق وودلند^۱ و مارگارت^۲ (۱۹۸۲) روشن می سازد که دانش آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش آموزان متوسط و دانش آموزان متوسط در مقایسه با دانش آموزانی که از لحاظ درسی ضعیف اند، از عزت نفس بالاتری برخوردارند

فیل^۱ و هال^۲ (۱۹۷۸) شایستگی را اینگونه تعریف می کنند. داشتن اعتماد به نفسی که فرد عموماً قادر است با تکیه بر آن نتایج مورد انتظار را بدست آورد. عزت نفس با احترام به خود برای هر فرد لازم و ضروری است. کسی که دارای عزت نفس بالا باشد، احساس شایستگی و لیاقت می کنند و بر عکس " همانطور که ناتانیل براندن^۳ (۱۹۹۲) بیان کرد: " هر جا که عزت نفس پایین است. به تبع آن شایستگی و لیاقت نیز وجود ندارد. " (فتحی، ۱۳۸۲؛ به نقل از حداد رنجبر، ۱۳۸۳)

^۱- Woodland

^۲- Philip

^۳- Margaret

^۴- Phill

^۵- Hall

^۶- Brandon

تحقیق بارون^{۴۴} (۱۹۹۱؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳) در این زمینه نشان داد که دانش آموزان برخوردارانی از عزت نفس بالا به این نکته معتقدند که اگر بیشتر کوشش کشتند به نتایج بهتری دست می یابند. ضمناً این گونه دانش آموزان برای حل مسئله پافشاری و سماجت بیشتری دارند.

یافته های دیگر که با تحقیقات یاد شده همگرایی قابل ملاحظه ای دارد، مربوط به تحقیق شکرار^{۴۵} (۱۹۹۹؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳) است. این تحقیق مبرهن می سازد که دانش آموزان برخوردارانه از رجحان یافتگی تحصیلی، عزت نفس بالاتری دارند. این دانش آموزان از شکست های تحصیلی کمتر می ترسند و در موقعیت های بین افرادی کنش های بهتری دارند.

۳- انتظار پیشرفت:

وقتی دانش آموزان بدانند والدین از آن ها انتظار پیشرفت و اتخاذ یک هدف معقول و منطقی دارند. حداکثر تلاش خود را به خرج می دهند. در بعضی از دبیرستان ها ثابت شده است که بهترین دانش آموزان می دانند که انتظار پدر و مادرشان از آنها رفتن به دانشگاه است. بسیاری دیگر از دانش آموزانی که پیشرفتی در کارشان به چشم می خورد، در صورتی که بدانند انتظار بیشتری از آنها می شود، ممکن است که کیفیت کارشان را بهبود بخشد (کدیور، ۱۳۶۵).

۴- کنترل:

عامل شخصیتی دیگری که توسط جولیان را تر مطرح شده است، موضوع کنترل نام دارد. راتر (۱۹۷۲) موضوع کنترل را مشتمل بر دو بعد درونی و بیرونی می دانند. افرادی که دارای موقع کنترل درونی هستند، بر این باورند که دونه آنلایشی، رفتار مسئولانه، توانایی، مهارت و گوشت های شخصی که به حداکثر رسانادان نتایج خوب و به حداقل رساندن نتایج بد نقش فزاینده ای دارد به دیگر سخن، این افراد برای بخت و اقبال، شانس و تصادف هیچ گونه ارزشی قائل نیستند اما افرادی که دارای موضع ترل بیرونی آنان معتقدند که نتایج احتمالی به شانس، قضا و قدر و نیروهای ناشناخته و مهارنشده خارجی بستگی تام دارد. این افراد به مهارت، دور اندیشی، شایستگی های رفتاری و شخصیتی خود اهمیت نمی دهند.

تحقیقات بسیاری در مورد موضع کنترل یا متغیر های دیگر صورت گرفته است، یکی از متغیرهای پیشرفت تحصیلی است. مثلاً تحقیق لفقورت^{۴۶} در سال ۱۹۸۲ مشخص ساخته است که مشکلات تحصیلی، اغلب برای دانش آموزانی پیش می آید که واجد موضع کنترل بیرونی هستند.

تحقیق دیگری که با تحقیق گفته شده همگرایی دارد، نشان داده است که دانش آموزان واجد موضع کنترل درونی در مقایسه با دانش آموزانی که واجد کنترل بیرونی هستند، نه تنها از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردارند بلکه در زمینه های متعدد، پیشرفت فزاینده ای دارند.

^{۴۴} Baron

^{۴۵} Shkras

^{۴۶} Fkurt

ری^۷(۱۹۹۸؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳) رابطه بین خود با قوانین و موضع کنترل و پیشرفت تحصیلی را در دانش آموزان بررسی کرد. این محقق و همکارانش ۷۵ دانش آموز را از پایه هفتم و هشتم و نهم انتخاب کردند و وضع کنترل بر پیشرفت تحصیلی و خود باوری آنها را مورد مقایسه قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که دانش آموزان برخوردار از پیشرفت تحصیلی بالا، موضع کنترل دولتی و خودباوری مثبت تری داشتند

۵- خودباوری:

خودباوری عبارت است از چارچوبی شناختی که راه هایی را برای سازمان دادن آن چه که فرد درباره خود می داند و نیز پردازش اطلاعات مربوط به خود فراهم می سازد.

تحقیقات متعددی بر ارتباط بین خودباوری و پیشرفت تحصیلی تأکید کردند. مثلاً فرنز^۸(۱۹۹۲) جهت اثبات ارتباط بین خودباوری و پیشرفت تحصیلی ۹۶ دانش آموزان پسر و ۱۳۲۵ دانش آموزان دختر را انتخاب کرد و پس از بررسی های لازم نشان داد که بین خودباوری و پیشرفت تحصیلی هم بستگی مثبت و قوی دارد

دانش آموزان دارای خود باوری مثبت تر در مقایسه با دانش آموزانی که خودباوری منفی تری داشتند. از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردار بودند و بر عکس، دانش آموزان دارای خودباوری منفی تر، پیشرفت تحصیلی پایین تری داشتند.

آلن^۹ و کرپاتین^{۱۰}(۱۹۹۱) نیز ارتباط بین خودباوری و انگیزش تحصیلی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آن ها مشخص ساخت که بین خودباوری و انگیزش تحصیلی رابطه مثبتی دارد

یافته دیگری که با تحقیقات ذکر شده همگرایی دارد، تحقیق ترسیا^{۱۱}(۱۹۹۹) درباره ارتباط خودباوری، سطح امیدواری و پیشرفت تحصیلی در میان ۴۰ دانشجوی پسر و ۴۹ دانشجوی دختر بوده است. بر اساس نتایج این تحقیق، دانشجویان برخوردار از خودباوری مثبت و سطح امیدواری بالاتر، بیشتر جویای اطلاعات بودند، پیشرفت تحصیلی بالایی داشتند و به شدت می کوشیدند که نتایج مطلوب و خوشایند را به حداکثر برسانند و از نتایج ناخوشایند اجتناب ورزند (ترخان، ۱۳۸۰).

۶- انگیزه:

انگیزه کمک کردن به مردم در متمرکز ساختن اذهان و انرژی های خود در انجام دادن کارشان تا حداکثر امکان با هنر به وجود آوردن شرایطی که اشخاص را به موثر ترین فعالیت ها برانگیزند (شعاری نژاد، ۱۳۷۸؛ به نقل از حداد رنجبر، ۱۳۸۳).

^۷ Ray

^۸ Frnz

^۹ Alain

^{۱۰} Krpatyn

^{۱۱} Arsia

۷- انگیزش:

انگیزش پیشرفت در ردیف انگیزه های اجتماعی قرار دارد و عبارت است از روحیه غلبه کردن بر موانع، ممتاز بودن و زندگی کردن طبق معیار های عالی. این انگیزش یکی از موضوعات مورد علاقه روان شناسان خصوصا روان شناسان تربیتی است (دارایی، ۱۳۷۷؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳).

برای توضیح و توجیه اختلاف بین دانش آموزانی که استعداد یکسان برای یادگیری دارند، اما پیشرفت تحصیلی آن ها متفاوت است می توان از مفهوم انگیزش استفاده کرد به استناد پژوهش های انجام شده در رابطه با استعداد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی، ضریب همبستگی ($r = 0/50$) را نشان می دهد که این ضریب نسبتا پایین است و نشان می دهد که در میان دانش آموزان افرادی یافت می شوند که با استعداد کم پیشرفت تحصیلی نسبتا کمی دارند (سیف، ۱۳۷۳؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳).

همه تحقیقاتی که در مورد داشتن هدف، انتظار پیشرفت، عزت نفس، خودباوری، موضع کنترل انگیزه، انگیزشی با پیشرفت تحصیلی انجام گرفته اند، بیانگر این واقعیت بوده اند که عوامل یاد شده از عوامل مؤثر و اساسی در پیشرفت و عقب ماندگی تحصیلی دانش آموزان به حساب می آیند. ارتباط بین موقع کنترل، هدف، انتظار پیشرفت، انگیزه انگیزش، عزت نفس، خودباوری و پیشرفت تحصیلی همواره مورد توجه روان شناسان تربیتی، اجتماعی و شخصیت بوده است. تحقیقات انجام گرفته در این زمینه، میرهن ساخته اند که بین عوامل فوق و پیشرفت تحصیلی ارتباط مستقیمی وجود دارد. افزون بر این، در واریس های صورت گرفته به وضوح مشخص شده است که عوامل شخصیتی یاد شده تغییر پذیرند، یعنی با ایجاد تغییر در جهت مثبت می توان موجبات پیشرفت تحصیلی بالا را در دانش آموزان فراهم کرد.

عوامل بیرونی**۱- تأثیر دوستان:**

محققان دریافته اند که پیوستگی بین ارتباطات اجتماعی و پیامدهای تحصیلی فرآیندی پیچیده است که از نظر گلنم علاقه به مقبول بودن نزد دوستان با انگیزه پیشرفت و رفتارهای مرتبط با آن تن تضاد است. در حالیکه به این باور است که دوستان به پیشرفت تحصیلی یکدیگر ممکن است تأثیر مثبت و منفی داشته باشند. او می گوید فرآیند تأثیر دوستان حالتی "دورانی" دارد. دوستان یکدیگر را بر اساس نگرش های مشابه درباره مدرسه انتخاب می کنند. این نگرش ها رشد می کنند و در طول زمان شبیه تر می شود. دوستان جدید بر اساس این نگرش های تغییر یافته انتخاب می شوند (کرملی، ۱۳۹۰).

۱- تبار اجتماعی:

تأثیر تبار اجتماعی بر آموزش و پرورش در موفقیت یا شکست تحصیلی متجلی می شود. از آن جا که این موضوع شناخته شده است و فورکن آذر سال های ۸۰-۱۹۷۹ و ۱۹۸۲ تحلیلی از وضع مطالعات در این زمینه ارائه نموده، به بیان چند داده بسنده خواهیم کرد.

مقصود از موفقیت تحصیلی سطح یادگیری است که در یک دوره آموزشی معین در زمان پیش بینی شده تحقق یافته باشند. در نتیجه این مفهوم نه تنها ورود به دوره آموزشی بلکه تداوم آن و عملکردهای نهایی را شامل می شود. با این همه در کشورهای فقیر نه ورود به دوره و نه تداوم آن بدون مطرح شدن عملکردها تضمین شده نیست. در سایر کشورها تداوم می تواند با مردود شدن و عقب ماندگی سستی نسبت به دوره تحصیلی همراه باشد. به صورتی که تفاوت های معتادان در نتایج از همان دوره ابتدایی مشاهده شود، کودکان خانواده های کم بضاعت کمتر از کودکان دیگر موفق می شوند و این نابرابری در طول دوره تحصیلی شدت می یابد. حتی در صورت موفقیت یکسان فرصت ادامه تحصیل پس از دوره آموزش اجباری یکسان نیست، زیرا جوانان خانواده های بی بضاعت مجبورند برای تأمین زندگی خود کار کنند (کوی، ۱۳۷۸).

نتایج نشان می دهد که دوستان می توانان به پیشرفت تحصیلی یکدیگر تأثیر مثبت و منفی داشته باشند. همچنین تأثیر تیار اجتماعی بر آموزش و پرورش در موفقیت یا شکست تحصیلی متجلی می شود

۲- خانواده:

شاید بتوان گفت مهمترین عامل مؤثر در شکل گیری دانش آموز نسبت به تحصیل خانواده است اینکه والدین با دانش آموز و در او چگونه برخورد کنند و در الگوهای تربیتی خود برای چه نوع رفتارهایی ارزش قائل شوند، یکی از عوامل اساسی در شکل گیری نگرش دانش آموزان نسبت به تحصیل است. چنانچه نگرش خانواده نسبت به مدرسه، معلمان و درم منفی باشد یا بین آنچه می گویند و آن چه عمل می کنند تفاوت وجود داشته باشند. طبیعی است که به تدریج فرزند آنها نیز نگرش منفی به درس و تحصیل پیدا خواهد کرد. ادن موارد بسیاری علت افت تحصیلی و یا شکست تحصیلی به این گونه نگرش های منفی، تصادها، مساعد بودن شرایط خانواده از نظر عاطفی و روانی و ... بر می گردد (بیابانگرد، ۱۳۸۲).

غنی کردن محیط خانواده از راه هایی است که والدین می توانند بر پیشرفت تحصیلی فرزندان خود نقش داشته باشند. والدین می توانند به جان خرید اشیای غیر فراوانی برای دانش آموزان کتاب های کمک درسی و وسایل کمک آموزشی تهیه کنند تا از این طریق هم دانش آموزان اوقات فراغت خود را به خوی یگانه اند و هم به یادگیری آنها کمک شود (همان منبع).

تحقیقات نشان می دهد عواملی همچون فقر مالی خانواده، فقر فرهنگی، بی سوادی و کم سوادی والدین، مشاجره و ناسانه کاری و نادیدین، فقدان والد یا والدین و نحوه ارتباط دانش آموز با برادران و خواهران در ایجاد زمینه افت تحصیلی دانش آموزان مؤثر است (همان منبع).

محیط یادگیری دوران اولیه کودک در چارچوب خانواده عامل بسیار مهمی است برخی معتقدند که ۸۰ درصد هوش بالقوه تا سن ۸ سالگی توسعه می نماید. تحقیق معروف کلمن^۳ قسمت عنوان برای فرصت آموزشی نشان داد که تأثیر محیط خانواده بر موفقیت تحصیلی به مراتب بیشتر از تأثیر برنامه های مدرسه می باشد. مطالعه معروف دیگر توسط جنگر به نتیجه مشابهی رسید بر اینکه ویژگی های خانوادگی مهمترین متغیر در تعیین عملکرد دانش آموختگان است و به عبارت دیگر بر اساس این مطالعه شغل در آمد و تحصیلات و والدین (که همان پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین را تشکیل می دهند) قوی ترین پیش بینی برای عملکرد تحصیلی دانش آموختگان بودند و همچنین مشارکت و دخالت والدین در فرآیندهای آموزشی نیز تا حدود

^۳ Coleman

زیادی بستگی به طبقه اجتماعی آنها دارد. در واقع می توان گفت: یکی از عوامل مؤثر در شکل دهی به رفتار و ایجاد انگیزه در افراد به موازات و رانش، محیط زندگی است.

تنها با شیوه های فرزند بر این که از کارکردهای مهم خانواده هست به عنوان اولین اثرات محیط شناخته شده است که مبنای اولیه شخصیت هر فرد را تعیین می کنند و بالتبع بسیاری از ارزش ها و انگیزه های فرد در خانواده است که رشد و تکوین می نماید (صمدی، ۱۳۹۱).

همچنین خانواده نخستین محیط تربیتی کودک پس از تولد است. شخصیت کودک در سال های نخست تولد در خانواده شکل می گیرد و شیوه های زندگی او تحت تأثیر این محیط تشکیل می گردد و کلیه اعضای خانواده می توانند در شخصیت کودک مؤثر باشند، اما آنچه اهمیت دارد، فضای حاکم بر خانواده است. شکل گیری اعتماد به نفس از زمان توانی در انسان آغاز می شود اریکسون، تولد تا یک سالگی با سن اعتماد به نفس می داند که طی آن کودک در شرایطی فرار می گیرد که اگر محیط تربیتی در او امنیت لازم را ایجاد کند، اعتماد به اطرافیان و خودش در او به وجود خواهد آمد، در غیر این صورت پایه های عدم اعتماد در او پی ریزی خواهد شد (شاملو، ۱۳۷۳؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳).

ویلسون^{۴۴} نوع رفتار کودکانی که دارای محیط خانوادگی آزاد بودند با کودکانی که محیط خانوادگی دشوار زندگی می کردند مقایسه نمود و به این نتیجه رسید دانش آموزانی که در محیط خانوادگی دموکراتیک بودند دارای اعتماد به نفس و ابتکارات بیشتر بودند و در شرایط سخت و دشوار فعالیت های درسی را بهتر انجام می دهند (حیدری، ۱۳۷۵؛ به نقل از صمدی، ۱۳۹۱).

با توجه به آنچه که بیان شده به نظر می رسد مختصات محیط خانواده از ابعاد گوناگونی چون ساختار، ارزش های حاکم، نحوه انتظارات و توقعات از فرزندان، شخصیت و منش والدین و سایر عوامل قابل بررسی می باشد، والدین به جهت ایجاد انگیزه و دیدگاه آنان نسبت به مسائل و نحوه ارتباط با یکدیگر و با فرزندان خود می توانند ضمن ایجاد پویایی و حرکت سطح موفقیت بالایی را تعیین نمایند. همچنین تحوا موضع گیری والدین در قبال پیشرفت تحصیلی فرزندان، توقعات و انتظارات رقابت بین خواهران و برادران، محیط عاطفی خانواده، معیارهای والدین و به طور کلی ایجاد یک جو روح بخش و دلپذیر در خانواده می تواند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر مثبت داشته باشد که تحقیقات و یافته ها نیز مؤید آن می باشد.

۴- محیط اجتماعی اقتصادی:

عواملی چون وضعیت روحی و روانی افراد خانواده مذهب روابط پدر و مادر با یکدیگر و فرزندان، فرهنگ قومی و ملی و به تر تعلیم و تربیت کودکان اثر می گذارد. اکنون باید گفت که وضع مالی و میزان درآمد خانواده نیز می تواند عامل مؤثری در آموزش و پرورش کودکان به حساب آید زیرا خانواده هایی که از توان اقتصادی بالاتری برخوردارند می توانند وسایل. امکانات و شرایط بهتری که برای استفاده مناسب از آموزش و پرورش لازم است در اختیار کودک قرار دهند. این مسئله به خصوص در کشورهای جهان سوم که این مدارس از نظر سطح آموزش و پرورش تفاوت چشمگیری وجود دارد اهمیت بیشتری می یابند

^{۴۴} Wilson

در این گونه کشورها افراد در صورتی می توانند از مدارس خوب استفاده کنند که بنیه مالی آنها اجازه پرداخت شهریه های سنگین و تهیه سایر لوازم مورد نیاز را بدهد (قرائی مقدم، ۱۳۷۵).

الفرد مارشال^۵ در کتاب خود با عنوان اقتصاد سرمایه داری، اینگونه می نویسد: درست است که به رغم فقر، تحت تأثیر عوامل دینی، روابط دوستی خانواده ممکن است انسان احساس بزرگترین خوشبختی را بکند و امکان باید استعدادهای خویش را شکوفا سازد. ولی با وجود این نباید اذعان داشت، فقر اقتصادی موجب از بین رفتن و پژمرده نشدن استعدادهای انسانی می شود. فقر اقتصادی باعث می شود تا خانواده ها از ابتدایی ترین وسایل و امکانات فرهنگی و آموزش های خارج از مدرسه و بهداشتش و حشی مسکن مناسب محروم بماند و حتی از خدمات تفریحی مناسب برخوردار نباشند بچه ها در این گونه خانواده ها کمتر تحت مراقبت های تربیتی مستقیم و غیر مستقیم قرار می گیرند. فقر شدید و فشارهای دانه افزون توری معمولا مادران را نیز به کار کردن های متفرقه منظم یا نا منظم وادار می دارد. این امر موجب می شود که کودکان و نوجوانان خیلی زود در مسیر گمراهی و دور شدن از تحمیل قرار گیرند (رئیس دانا، ۱۳۸۰)

از دیدگاه جامعه شناسی فقر نیز همانند بسیاری از پدیده های اجتماعی اعتبار مکانی و زمانی دارد و همراه با جامعه متحول می شوند. آنچه مسلم است فقر برآیند دو عامل تعیین کننده کمبود و مالکیت است، بدین معنی که در بسیاری از جوامع همه چیز به قدر کافی وجود ندارد و تقاضا بیش از عرضه است و در نتیجه هر آن چه برای یک زندگی ضروری و کمیاب مورد نیاز است، ارزش اقتصادی پیدا می کنند و به محض اینکه ارزشمند می شود در بسیاری از کشورها عده قلیلی آن را تصاحب می کنند و عده کثیری از آن محروم می گردند (داور شیخاوندی، ۱۳۵۷؛ به نقل از صمدی، ۱۳۹۱).

به دنبال این امر کسانی که امکان دست یابی به شی. نادری را ندارند نسبت به آن احساس فقر می کند از مجموعه مباحث فوق می توان نتیجه گرفت که فقر روی امکانات تحصیلی و پیشرفت تحصیلی تأثیر گذار است و فقر مانع آن می شود که فرد به عنوان عضو فعال جامعه، وظیفه و دین خود را نسبت به خانواده و جامعه انجام داده و از حقوق اجتماعی و فرهنگی بهره مند گردد.

با توجه به آنچه که در بالا بیان شد، می توان گفت طبقه اجتماعی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز بر پیشرفت تحصیلی اثر می گذارد والدین طبقه متوسط به مسائل درسی فرزندان خود حساسیت بیشتری نشان می دهند. علاقه بیشتری به مدرسه و ادامه تحصیل فرزندان نشان و در نتیجه پیشرفت تحصیلی آنها دارند (همان منبع).

۵- محل سکونت خانواده:

عامل دیگری که در موفقیت تحصیلی موثر است، محل سکونت خانواده است. به عنوان نمونه تحقیقاتی که توسط کلاین برگ در مورد کشورهای اروپایی بین شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها و هم چنین بین سیاه پوستان ساکن شمال و جنوب آمریکا به عمل آمده، به خوبی نشان می دهد که بین محل سکونت خانواده، میزان موفقیت تحصیلی و هوش کودکان رابطه معناداری وجود دارد (همان منبع).

^۵ Marshal

۶- الگوهای زبان:

به زعم برنشتاین، الگوهای زنان پاسخگویی کودکان، موجب تداوم و استمرار طبقه اجتماعی آنها می گردد، الگوی سخنگوی شخص به وسیله موقعیت اجتماعی خانواده او معین می شود. این الگو به نوبه خود، موقعیت او را در جامعه تحت تأثیر قرار می دهد. مثال بارز آن تأثیر تفاوت الگوهای قربانی کودکان طبقات اجتماعی مختلف بر عملکرد آموزشی آنان در مدرسه است.

منظور از تفاوت الگوهای زبان اشاره به تفاوت در واژگان با مهارت های کلامی نیست، بلکه تفاوت های منظم در طرق استفاده از زبان، به ویژه در مقایسه کودکان قشرهای فقیر و ثروتمند است.

به نظر برنشتاین^{۲۶} کودکانی که الگوی زانی میسوط و ماهرانه دارند به طرز بارانی تواناتر از کودکانی که الگوی سخنگویی محدود دارند، از عهده وظایف و الزامات آموزش و پرورش مدرسه ای بر می آیند. کودکانی که از الگوی زنان ماهرانه و پیچیده برخورداران ناده بسیار راحت تر در مدرسه جا می افتند و با فراگردهای آن هماهنگ می شوند. هر چند که اعتبار این نظریه هنوز مورد بحث و مجادله است، شواهدی در تأیید آن موجود است. در مطالعه زبان کودکان طبقات کارگر و متوسطه با مشاهده تفاوت های منظم در میان آنها برنشتاین تأیید شده که کودکان طبقات پایین، از لحاظ این که به سؤال های آنان در خانه پاسخ داده شود و با درباره دلایل رفتار دیگران به آنها توضیح دهند، تجربه کمتری دارند. اگر نظر برنشتاین درست و معتبر باشد با تکیه بر آن می توان فهمید که چرا کودکان دارای پیشینه اجتماعی اقتصادی ضعیف در تحصیلات مدرسه ای چندان پیشرفتی حاصل نمی کند (علاقه بند، ۱۳۹۰).

با توجه به آنچه بیان شد محل سکونت خانواده و الگوهای زبان موجب تداوم و استمرار طبقه اجتماعی می شود که به نوبه خود بر پیشرفت دانش آموزان اثر می گذارد.

۷- خاستگاه اجتماعی:

تمام بررسی های تجربی به این نتیجه و احال می هستند که موفقیت تحصیلی، پیوستگی استوار و مستقیمی با خاستگاه اجتماعی دانش آموزان دارد نمودارهای دو متغیر به کار رفته موفقیت شاگردان و پایگاه اجتماعی خانواده هرچه باشند. هنگامی که سطح پایگاه اجتماعی خانواده بالا می رود موفقیت شاگردان نیز افزایش می نماید (پوینده، ۱۳۷۹؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳).

۸- محرومیت اجتماعی:

مشاجرہ زیادی در مورد مفهوم محرومیت اجتماعی و مطالعات پژوهشی که اثرات و عوارض آن را روشن می سازد وجود دارد، اما در مجموع تحقیقات نشان داده است. کودکانی که از نظر اجتماعی محروم هستند پیشرفت های بسیار کمی از دروس اصلی و نیز در زنان بیانی و دریافتی دارند. آنها در مقایسه با کودکان غیر محروم نسبت به موفق شدن در مدرسه کمتر برانگیخته و ترغیب می شوند (بیابانگرد، ۱۳۷۶؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳).

^{۲۶} Bernstein

تحقیقات انجام شده نشان می دهد پیشرفت تحصیلی پیوستگی استوار و مستقیمی با خاستگاه اجتماعی دانش آموز دارد. همچنین کودکانی که از نظر اجتماعی محروم هستند پیشرفت کمی در تحصیلات آنها مشاهده شده است.

۹- اندازه خانواده و ترتیب تولد:

راتر^{۷۷} و مدیج^{۸۸} (۱۹۷۹) با مرایانی بر سوات پژوهشی بیان می کنند مطالعات بی شماری نشان می دهند که کودکان خانواده های کوچک (مثلا تک فرزند با دو فرزند سطح هوشی پایین تر (به ویژه توانایی کلامی) و مهارت در خوانان کمتری دارند دانش آموزان خانواده های بزرگ در مجموع در آزمون های استاندارد موفقیت کمتری داشته و او در ترک تحصیل می کند این یافته ها هم در مورد پسران و هم در مورد دختران صادق است و حتی وقتی ترتیب تولد و طبقه اجتماعی کنترل می شود باز هم معتبر می باشد. با این حالت رابطه بین اندازه خانواده ترتیب تولد و پیشرفت رابطه پیچیده ای است (بیابانگرد، ۱۳۷۶؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳).

عوامل درونی یا فردی همچون (داشتن حلقه عزت نفس، انتظار پیشرفت، کنترل، خودباوری، انگیزه، انگیزش) و عوامل بیرونی یا خارجی همچون (تأثیر دوستان، تبار اجتماعی، خانواده، محیط اجتماعی - اقتصادی، محل سکونت خانواده، الگوهای زبان، خاستگاه اجتماعی، محرومیت اجتماعی، اندازه خانواده و ترتیب تولد) بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر گذار می باشد که ما در این تحقیق سعی کرده ایم به تأثیر عواملی چون سطح درآمد خانواده، تحصیلات والدین، میزان سلامت جسمانی، میزان سلامت روانی، میزان سلامت محیطی و روابط اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بپردازیم.

خودانگاره و پیشرفت تحصیلی

در فرایند آموزش و یادگیری خود انگاره های فرد در مورد استعداد و توانایی های خود و اینکه مثبت باشند و سازنده یا منفی باشند و محدود کننده نقش بسیار مهمی در کیفیت تحصیلات و فعالیت های آموزشی دارا هستند. اغلب دانش آموزان و دانشجویانی که پیشرفت تحصیلی مطلوبی ندارند و دچار افت تحصیلی می شوند درباره توانایی های یادگیری خود تصویر ذهنی منفی و محدود کننده دارند. این تصاویر ذهنی منفی و تضعیف کننده در اثر تعمیم بخشیدن به تجربیات قبلی و نحوه تربیت و آموزش در مراحل زندگی و طی دوران تحصیلی به وجود می آیند.

دانش پژوهانی که به دلیلی در مرحله ای از دوران تحصیل دچار ضعف یا شکست می شوند، چنانچه تحلیلی منطقی و علت یاب از آن نداشته باشند، در اثر شکست و احتمالاً سرزنش دیگران، رفته رفته باوری کاذب و محدود کننده در آنها ایجاد می شود؛ که به تدریج با تعمیم بخشی آن باعث تثبیت خود انگاره منفی در مورد توانایی های خویش می گردند و خود را به صورت شخصیت ناتوان و بازنده ای که در ذهن تصویر کرده اند، می بینند و در نتیجه فعالیت های عینی آنها نیز به همان شکل متجلی می شود (گلستان هاشمی، ۱۳۸۰). دانش آموز یا دانشجویی که در اثر یک یا چند بار ناکافی در یک یا چند درس با خود تلقینی منفی به خود باورانده است که در آن درس یا درسها ضعیف است و استعداد و توانایی پیشرفت را ندارند. در چنین حالتی صرف نظر از دلایل اصلی ناکامی (همچون روش های غلط درس خواندن، مشکلات خانوادگی، عاطفی، اقتصادی و غیره)

^{۷۷} Rutter

^{۸۸} Mdj

ایجاد خود انگاره منفی همچون سدی جلوی توانایی ها و فعالیت های بعدی او را گرفته، منجر به تحکیم احساس ضعف و بروز آن در سایر مراحل می شود (گلستان هاشمی، ۱۳۸۰).

پس این دور از انتظار نیست که دانش آموزی که خود را مردود می پندارد، احتمال مردودی اش زیاد باشد و نیز تعجب آور نخواهد بود شخصی که خود را در تحصیل ضعیف و ناتوان می داند و به همین دلیل برای حل مشکلات و جبران ضعف ها تلاشی نمی کند، رفته رفته ضعف تحصیلی وی جزو شخصیت وی می شود.

دانش آموزی که به دلیل ضعف درسی متهم به بی استعدادی می شود، اگر این باور را بپذیرد و خود انگاره ای از آن در ذهن خود جای دهد، در این صورت دیگر در جهت رفع ضعف های خود آنطور که واقعاً توانایی اش را دارد نمی کوشد و در نتیجه بتدریج ضعف های او مزمن و تثبیت می شود (گلستان هاشمی، ۱۳۸۰).

خوانگاره منفی و مخرب همچون من استعداد ندارم، من به درد درس خواندن نمی خورم، ذهنم کشش ندارد و مواردی از این قبیل تصورات ویرانگری است که آفت بزرگ استعدادهای و توانایی های خود می باشد و بایستی برای جلوگیری از بروز آن ها توجه جدی صورت گیرد (گلستان هاشمی، ۱۳۸۰).

یکی از صاحب نظران، به نام فرانک اسمیت چنین می گوید: ما توانایی های ذهنی و هوشی و مغز خود را دست کم می گیریم نظام آموزشی رسمی مانند یک فعالیت پیچیده، خود آگاه و خشک جلوه کرده است به طوری که این باور برای ما مطرح می شود که بعضی موضوعات یادگیری آنقدر مشکل است که مغز ما نمی تواند آن ها را به سادگی بفهمد؛ اما اینطور نیست مغز ما تمایل طبیعی برای یادگیری نداشته باشد. همه ما قادر هستیم که موضوعات معین و گسترده ای را بدون کشش بفهمیم و یاد بگیریم.

دانشمندان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند که فعالیت های مغز نیز همچون سایر اعضای بدن تحت تأثیر پیام های مثبت یا منفی در وی قرار می گیرد و در همین ارتباط نشان داده اند که خود انگاره منفی باعث کاهش کارایی مغز و به عبارتی افت ذهنی می گردد.

از جمله مصادیق بارز خود انگاره منفی عدم خودباوری و اطمینان به خویش و ضعف اعتماد به نفس در فراگیران است. این حالت باعث ارتباط منفعلانه و غیرهماهنگ بین آنان و امور تحصیلی و درسی می گردد. تجربیات نشان می دهند دانشجویانی که بنا به دلایلی از قبیل تشویش و نگرانی، تجربیات منفی قبلی، کمروبی و مواردی از این نوع دچار خودانگاره های منفی هستند، در انجام تکالیف درسی و پیشرفت امور تحصیلی دچار ضعف می باشند.

معلمان باید با دانش آموزانی که ضعف درسی نشان می دهند با کمال هوشیاری برخورد کنند و از هرگونه برخورد ناخوشایند، تحقیر، تهدید، بی توجهی و رفتارهایی از این قبیل که باعث ایجاد خود انگاره های منفی می شود خودداری نمایند. نحوه برخورد با فراگیران به صورتی مطلوب است که باعث پی بردن به استعدادهای درونی آن ها شده به آنان شناخت و خودآگاهی سازنده بدهد و اینکه بتواند با بینشی روشن و اعتماد به نفس زیاد به رفع مشکلات و جبران ضعف ها و برداشتن موانع خود بپردازد (گلستان هاشمی، ۱۳۸۰).

نتیجه گیری

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از سازه‌هایی است که از دیرباز مورد توجه بوده و تحقیقات بسیاری را به خود اختصاص داده است. متخصصین تعلیم و تربیت همواره کوشیده‌اند شرایطی را فراهم نمایند تا محصلین بیشترین کارایی تحصیلی را از خود نشان دهند. امروزه مهمترین نقش مدارس این است که دانش آموزان را در پیشرفت تحصیلی یاری نماید.

به طور کلی پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده با اسایی فرد در موضوعات آموزشی می دانند که به وسیله آزمون های استاندارد شده، اندازه گیری می شود.

پیشرفت تحصیلی گرایش همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از توانایی که با موفقیت در عملکرد همراه است. غنی کردن محیط خانواده از راه هایی است که والدین می توانند بر پیشرفت تحصیلی فرزندان خود نقش داشته باشند.

تحقیقات نشان می دهد عواملی همچون فقر مالی خانواده، فقر فرهنگی، بی سواد و کم سواد والدین، مشاغل و ناسانه کاری و نادین، فقدان والد یا والدین و نحوه ارتباط دانش آموز با برادران و خواهران در ایجاد زمینه افت تحصیلی دانش آموزان موثر است. سال های متمادی است که محققان و پژوهشگران تعلیم و تربیت و روان شناسان اجتماعی مطالعات فراوانی در مورد عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان انجام داده و همیشه مد نظر آن ها بوده است چرا که پیشرفت تحصیلی موضوعی است که به خصوص در حال حاضر مورد توجه تمامی کشورهای جهان است و هر ساله مقدار زیادی آن بودجه جوامع صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می شود و پژوهش های زیادی به بررسی عوامل مختلفی که می تواند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر داشته باشد. عواملی مانند خانواده محیط زندگی، مدرسه و برنامه های آموزشی اختصاص یافته است

منابع

استوار، نگار (۱۳۸۷). اثربخشی یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تبریز، پیک نور، سال هشتم، شماره اول، ۱۰۹-۱۱۰.

اسلامی، حسین (۱۳۸۲). ارائه الگویی برای طراحی و اجرای برنامه خواندن انتقادی و بررسی اثر آن بر تفکر انتقادی و نوشتن تحلیلی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم.

اسلامی خاور، فاطمه (۱۳۹۱). رابطه پایگاه اجتماعی و افت تحصیلی دانش آموزان مدرسه راهنمایی دخترانه پیام انقلاب منطقه ۱۲ تهران، پایان نامه کارشناسی مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۲). روش های پیشگیری از افت تحصیلی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران.

ترخان، مرتضی (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین عوامل شخصیتی و پیشرفت تحصیلی ریاضیات در دانش آموزان سال اول دبیرستان، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۶۶.

حداد رنجبر، سمیه (۱۳۸۳). مطالعه رابطه مثلثی بین وضعیت اقتصادی، اجتماعی خانواده و نحوه تماشای تلویزیون و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر پایه پنجم ابتدایی شهرستان رفسنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

رضایی، نیلوفر (۱۳۹۳). رابطه کیفیت زندگی و میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان خانواده (پایه اول دبیرستان شهرستان سیرجان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۰). بررسی در آسیب شناسی اجتماعی ایران، انتشارات سازمان بهزیستی کشور، تهران.

سجادی، فریبرز و شعبانی، امامعلی (۱۳۹۳). الگوها و روش های نوین آموزش تاریخ، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۹۳، ۲-۸.

سعیدی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی رابطه کیفیت زندگی، سبک زندگی، عملکرد تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۴). اندازه گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، چاپ هفتم، ویرایش سوم، نشر دوران، تهران.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۷). روان شناسی پرورشی (روان شناسی یادگیری و آموزش)، نشر دوران، تهران.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). روان شناسی پرورشی نوین (روان شناسی یادگیری و آموزش)، نشر دوران، تهران.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۵). نظریه های رشد روان شناسی رشد و تکامل انسان، تهران، آستان قدس رضوی.

صمدی، سمیه (۱۳۹۱). تاثیر مدیریت زمان بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

قاضی، قاسم (۱۳۸۰). زمینه مشاوره و راهنمایی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

قرائی مقدم، امان (۱۳۷۵). جامعه شناسی آموزش و پرورش، انتشارات کتاب خانه فروردین، تهران.

عابدی، احمد (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی های خانوادگی و شخصیتی، پایان نامه کارشناسی ارشد.

علاقه بند، علی (۱۳۹۰). جامعه شناسی آموزش و پرورش، نشر روان، تهران.

کدیور، نعمت (۱۳۶۵). نقش اولیا در پیروزی تحصیلی فرزندان، انتشارات انجمن ملی اولیا و مربیان ایران، تهران.

کرمعلی، بهاره (۱۳۹۰). بررسی مقایسه انگیزش پیشرفت تحصیلی میان کودکان کار و کودکان عادی؛ مطالعه موردی منطقه ۲۰ تهران (شهر ری)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

کوی، توتان (۱۳۷۸). آموزش و پرورش فرهنگ ها و جوامع، ترجمه محمد یمنی دوزی سرخابی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

گلستان هاشمی، سید مهدی (۱۳۸۰). خودانگاره و پیشرفت تحصیلی، مجله پیوند، شماره ۴۵.

Aronson, E., Blaney, N. T., Skiles, J., Stephan, C. & Snapp, M. (1975). Busing and racial Tension: the Jig-saw rould to learning and liking psychology today, February, pp43-59.

Barkley, E. F. Cross, K.P. & Major, C. H. (2005). Collaborative learning techniques: A Hand book for college faculty. New York: Jossey-Bass.

Hiemstra, R. (1994). Self-directed learning. In T. Husen & T. N. Postlethwaite (Eds.), The International Encyclopedia of Education (second edition), Oxford: Pergamon Press. Reprinted here by permission.

Jurkowski, S. & Hanz, M. (2015). How to increase the benefits of cooperation: Effects of training in transactive communication on cooperative learning. Journal of Educational Psychology, 85 (۳).

Rothstein, P. (1990). Educational psychology mc, Erawa Hill.

Santrock, J. W. (2011). Educational Psychology, McGraw Hill.

Temple, C. & Rodero, M. L. (1995). Active Learning in a Democratic Classroom: The 'Pedagogical Invariants'.

Williamson, S. N. (2009). Development of self-rating scal of self-directed learning, Nurse Res: 14(۲), ۶۳-۶۶.

Yang, S. C. & Liu, S. F. (2005). The study of interactions and attitudes of third- grade students- learning information technology via a cooperative approach, Computers in Human Behavior, 21.